

## پشت بوم

## برگ‌برنده‌وزیرفرهنگ



حسین هاشم‌پور

● در خاص بودن وزارت فرهنگ همین بس که یازدهم آبان، سه وزیر ردای وزارت پوشیدند، اما این روزها وزیر فرهنگ بیش از آن دو، زیر ذره‌بین است؛ به‌عنوان‌نمونه، رسانه‌ها سرویس‌های فرهنگ و هنر به‌روزی دارند و هنرمندان، آنلاین اخبار این عرصه را رصد می‌کنند، اما آموزش‌وپرورش چنین موقعیت رسانه‌ای‌ای ندارد و سرویس‌های ورزشی همچنان غرق در قرمز و آبی و فدراسیون فوتبالند که معمولاً وزیر ورزش در آن کم است، مگر اینکه در دو تیم استراتژیک پایتخت ورود کند؛ ازهمین‌رو افکار عمومی چهارچشمی به وزیر فرهنگ خیره است تا شصیم تحول و نشاطی که رئیس‌جمهور وعده داده را از وزارت فرهنگ استشمام کند.

یک - هرچند هیچ رویکرد فرهنگی، محصول ۲۰۱۰،روزهای دربر ندارد، اما به‌کلام اگر وزیر فرهنگ در یک مؤلفه زیرساختی تمرکز کند و در آن هوای تازه بدمد، می‌تواند به انتظار جامعه پاسخ مثبت دهد؛ برخی کارشناسان معتقدند ریشه اصلی ناگامی‌های هنری- فرهنگی ما در توسعه‌نیافتن اقتصاد هنر و فرهنگ است؛ اگر مسیر درستی برای توسعه اقتصادی هنر و فرهنگ تعریف شود، با خلق فرصت‌های تازه کاری برای شعاع وسیعی از هنرمندان و تحول در کثرت آفرینش‌های هنری، بسیاری از مشکلات این وادی به خودی‌خود حل می‌شوند؛ این گمانه به لطف دو شاخصه بازار مصرف ۸۰ میلیونی ایران و نیز تناسیل بخش خصوصی که شاید با مشوق‌هایی مانند معافیت مالیاتی اشتیاقشان برای سرمایه‌گذاری بیشتر شود، ممکن به نظر می‌رسد؛ نکته خوشایند اینجاست که آقای سیدرضا صالحی‌امیری در نطق جلسه رأی اعتماد مجلس و نیز یکی، دو مصاحبه معدودش به این مهم اشاره و گویا پاشنه‌آشیل را به‌خوبی شناسایی کرده است.

دو - اگر هنرمندان ایده‌آل‌پروری نکنند و وضع موجود را نقد و وضعیت مطلوب را طلب نکنند، به یقین دنیا یک مژه مهم را کم خواهد داشت؛ مثلاً تعریف خطوط قرمز و کاستن از عرض آن، ترمیم احساس هنرمندان درخصوص آزادی بیان و حمایت‌های قانون در این زمینه و مه‌ار ابزارهای دلوایسان.... همه اینها آرزوهایی است که بارها در این ستون بر آنها تأکید شده، اما به‌یقین اگر ما با انقلابی در آفرینش‌های هنری رویه‌رو شویم ممکن است از مسیری ماینر برخی از این چالش‌ها دور زده شوند. دست‌کم‌ترین دستاورد چنان رونق اقتصادی‌ای، ازمیان‌رفتن اصطکاک میان هنرمندان و حذف انرژی‌های زائد است که خود یکی از بادهای ناموافقی است که به بدنه تصمیم‌ساز فرهنگ و هنر کشور آسیب‌های جدی وارد کرده است.

سه - اگر وزیر فرهنگ، چنین نقشه راهی را مقبول بشمارد، بدیهی است هرگونه تغییر در این وزارتخانه باید بر این مدار بچرخد؛ «تعیین راهکارهایی برای برون‌رفت از این فقر دامنه‌دار هنری و فرهنگی»؛ نکته امبدبخش این است که نزدیکان آقای وزیر او را در زمینه اقتصادی و خلق فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحب‌نظر معرفی می‌کند و حتی این ویژگی را یکی از دلایل انتخابش از سوی رئیس‌جمهور می‌داند.

## ضرب آهنگ

## امروز؛ آغازبلیت‌فروشی کنسرت کله‌ر و ارزنجان

● شرق؛ بلیت‌فروشی کنسرت دونوازی کیهان کله‌ر و اردال ارزنجان از ساعت ۱۴ امروز در سایت تیوال آغاز می‌شود. کیهان کله‌ر، آهنگساز و نوازنده پراوازه کمانچه به همراه ارال ارزنجان، نوازنده تریک‌های باغلاما، از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ آذرماه در تالار وحدت تهران کنسرت‌های خود را برگزار می‌کنند. علاقه‌مندان می‌توانند از امروز در سایت تیوال به نشانی www.tiwall.com اقدام به تهیه بلیت کنند. سهیل زارعی، تهیه‌کننده برنامه، با اعلام این خبر افزود: «به اسپانسری شرکت «خوش‌نوش جهان»، نماینده انحصاری قهوه «لاوانزا» در ایران، پس از این کنسرت دونوازی، بلافاصله تور کنسرت‌های «پردگیان باغ سکوت» این نوازنده بین‌المللی کمانچه به همراه گروه خود متشکل از علی بهرامی‌فرد (نوازنده سنتور)، هادی آذرپیرا (نوازنده تار) و نوید افقه (نوازنده تنبک) در تهران و شهرستان‌ها برگزار خواهد شد و به‌زودی جدول آن نیز روی سایت تیوال منتشر می‌شود». کنسرت «پردگیان باغ سکوت» در اردیبهشت و خردادماه گذشته در چند شهر ایران و ۹ شب در تهران برگزار شده و از معدود کنسرت‌های موسیقی بی‌کلام ایرانی بود که در تمام اجراها، تمام بلیت‌هایش به فروش رسید.

در آستانه اربعین سالار شهیدان امام حسین(ع) هستیم. معمولاً در این سال‌ها در سینما رسم بر این بوده که به احترام سوگواری برای شهادت بزرگان اسلام، فیلمی متناسب با این ایام در سالن‌های سینما به نمایش درآید. با این نگاه چه فیلمی بهتر از «رستاخیز»؛ فیلمی درباره اندیشه‌های عاشورا که قریب به هشت سال ساخت آن به طول انجامید تا نوشته، ساخته و آماده نمایش شود، تا امروز هم سه سال در کش‌وقوس است تا به نمایش درآید؛ اما هنوز اگران عمومی نشده! جالب است در دولت «تدبیر و امید» و در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر موفق شد در ۱۱ بخش نامزد دریافت سیمرغ بلورین و در نهایت در هشت بخش از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی برنده سیمرغ بلورین شناخته شود، اما با این‌همه جایزه و عزت، فقط یک روز؛ یعنی در ۲۴ تیر ۱۳۹۴ با مجوز قانونی سازمان سینمایی وزارت ارشاد به اگران عمومی درآمد، اما ساعتی پس از آن در پی مخالفت‌ها با نمایش چهره مبارک حضرت ابوالفضل(ع) از برده سینماها به پایین کشیده شد و تا امروز به نمایش عمومی درنیاوده است. خب داستان کمی عجیب‌وغریب به نظر می‌رسد!

اما... این ماجرا، داستان نیست! و غریب به نظر نشده! بلکه متأسفانه به واقعیت قریبی تبدیل شده که در کشور جمهوری اسلامی ایران، فیلمی درباره امام حسین(ع)، امام سوم شیعیان، اجازه نمایش عمومی پیدا نکرده است!!!!

از روزی که نطفه فیلم بسته شد که به دوران تصدی وزارت احمد مسجدجامعی برمی‌گردد و بعد از آن وزرای دولت مهرورز؛ یعنی آقایان صفارهرندی و حسینی و این روزها هم به وزرای دولت تدبیر و امید؛ علی جنتی و امروز هم صالحی‌امیری، «رستاخیز» مسیری طولانی را طی کرده است. با وجود اعتراضات برخی از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و هنری به تسلیم‌شدن سازمان سینمایی در برابر اگران‌نشدن فیلم

«رستاخیز» همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد. هرچند که وزیر جدید؛ یعنی دکتر صالحی‌امیری تا این لحظه اظهارنظری درباره این موضوع نکرده است، اما مسائل پیش‌روی این فیلم آن‌قدر پیچیده و دور از ذهن بوده که تحلیل عمیق آن در این یادداشت نمی‌گنجد و نکته جالب هم این است که در دادگاه بدوی دیوان عدالت اداری، رای به نفع فیلم صادر شده، ولی نتیجه همان بود که هست!

جدا از همه اختلاف‌نظرات میان نگاه سازندگان - مالکان فیلم (احمدرضا درویش، تقی علیقلی‌زاده و شرکا) و مسئولان مرتبط و با عبور ملایم از برخی از ندانم‌کاری‌ها، متناقض عمل‌کردن‌ها، سیاسی‌کاری‌ها و گاهی هم حسن‌نیت‌ها از سوی تصمیم‌گیرندگان در وزارت ارشاد، احمدرضا درویش فقط «یک فیلم» ساخته است و غیر از فیلم‌سازی در هیچ‌کجا

در آستانه اربعین سالار شهیدان، فیلم درویش همچنان بلاتکلیف است!

# سرنوشت نامعلوم «رستاخیز» در دستان ۵ وزیر!



درویش در پشت صحنه «رستاخیز»/ عکس: سپیدپارس

و دست‌کم حواسشان نیست که برای اخذ پست‌های مدیریتی در آینده نزدیک و شرکت در هر انتخاباتی به حمایت‌های همین هنرمندان و فیلم‌سازان نیاز دارند. اصلاً متوجه این امر مهم نیستند که قرار است شریک کویتی فیلم «رستاخیز» در دادگاه بین‌المللی از کشور عزیزمان شکایت کند! آخر چرا؟ ... فقط به این دلیل که برخی از مسئولان محترم با رفتارهای غیرمنطقی و حتی غیرفرهنگی خود بلد نیستند فرهنگ و هنر این مرزوبوم را مدیریت کنند. انصاف هم چیز خوبی است. هرچند خوشبختانه در لایه‌های مختلف مدیریت فرهنگی- هنری در کشور دلسوزانی بر مسند کار حضور دارند. بنابراین امید همه علاقه‌مندان به هنر و فرهنگ در کشور به تدبیر صالحان این عرصه است که صحنه را برای حضور فعال هنرمندان واقعی کشورمان باز بگذارند.

ادعایی نکرده که می‌خواهد فتح‌الفتوح کند، جهان را تغییر دهد و داعیه حقیقت‌گرایی محض در فیلمش داشته باشد و حتی در برابر اظهارنظر برخی از منتقدان سینما که فیلم را واجد ضعف‌هایی می‌دانند، گارد نگرفته... با این نگاه او می‌خواهد و محق است «رستاخیز» به نمایش عمومی درآید و فیلم بعدی خود را بسازد، اما متأسفانه در مقابل این «فیلم» رفتاری با او کردند که بیم آن می‌رود دیگر رغبتی به ادامه کار نداشته باشد! آیا این فیلم‌ساز و امثال او نمی‌خواهند مجوز فیلم‌های بعدی‌شان را از همین سازمان سینمایی بگیرند؟ آیا آنها دیگر می‌توانند به چنین سازمانی اعتماد کنند؟ در غیر این صورت، باید بروند و فیلم زیرزمینی بسازند؟ متأسفانه برخی تصمیم‌گیرندگان عرصه سینما اصلاً متوجه تبعات رفتارهای مصححت‌جویانه خود نیستند

## حمید پور آذری، کارگردان «خانه‌ابری»

## پای ریسک‌مان ایستاده‌ایم

## رضا آشفتنه

«خانه ابری» کاری مشترک است از حمید پور آذری و سیامک احصایی. پور آذری و احصایی که در این سال‌ها در زمینه تئاتر پیشرو و غیرمتعارف نمونه‌هایی درخور تأمل تولید کرده‌اند، در کار مشترک جدیدشان همچنان بر این فضای نو و بیش‌بینی‌ناپذیر تأکید کرده‌اند. این نمایش هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در تالار سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرا می‌شود. با پور آذری درباره این اتفاق متفاوت گفت‌وگوی کوتاهی کردیم.

حاکم می‌شود که به نظر ماشینی و مکانیکی است و در این نظم آدم‌ها یک سری چیزها را فراموش می‌کنند. بنابراین مجبورند کارهای تکراری و روزمره را انجام دهند و در این تکرار دچار کار بیهوده و عبت می‌شوند و این دایره، بسته و تکراری است، خود تکرار، بیهودگی را می‌رساند و به نظرمان هنوز جا دارد که باز هم جلوتر برویم و تکمیل‌ترش کنیم.

● **کلمات در تابلوهای بعدی دیگر رفته‌رفته از آن روال عادی بیرون می‌آیند و حالت انبورد می‌گیرند؛ یعنی تلنگری است به آن فضا؟**
اینها تکرار می‌شود و این تکرارها چیز دیگری به وجود می‌آورد، اما همچنان ماهیت تکرار را نگه می‌دارد، اما رفتار برای مثال خندیدن ماهیت خود را از دست می‌هد و همه‌چیز تبدیل به امری ماشینی می‌شود.

● **بی شباهت هم نیست به بخش‌هایی از عصر جدید چارلی چاپلین؟**

بله! حتی ما از آن هم اسم می‌آوریم که این وضعیت روئین مثل عصر جدید چاپلین است یا به طور کلی شبیه فیلم است و این مثال و نمونه‌ها را برایش می‌آوریم.
● **فکر می‌کنم انجام این تکرارها برای بازیگران به‌منظور القای فضا، کار خیلی سختی باشد؟**

هر چه جلوتر برویم، این نظم خودش را بیشتر و بهتر نشان می‌دهد.

● **بازیگرها باید تلاش بیشتری کنند که این تکرار و نظم از این‌هم بارزتر شود؟**

ما تلاشمان را می‌کنیم چون حساسیت‌مان را از دست نداده‌ایم.

ادامه از صفحه ۹

### هیچ عاشقی نفی بلد نمی‌شود؟

با طراحی لباس و متناسب با فضای تئاتری نمایش است. به نظر می‌رسد اگر بازیگران ماسک‌های سفید را بر چهره نداشتند، به عبارت دیگر، در چهره‌پردازی اغراق نشده بود، سطح نمایش افول می‌کرد. ندیدن چهره اختراسلطنه و سرهنگ و مدی‌خان به شناخت بهتر آنها یاری می‌رساند، همان‌طور که دیدن چهره هوشنگ و قمری، نمایش «طیانچه‌خانم» برای چندمین بار نقش مهم جزئیات را در نمایش نشان می‌دهد. یک نمایش از ترکیب همه عوامل درست شده است و خوب‌نبودن یا زیان‌بودن یکی از آنها کل نمایش را خراب می‌کند. در این نمایش به‌تقریب اجزای نمایش

با طراحی لباس و متناسب با فضای تئاتری نمایش است. به نظر می‌رسد اگر بازیگران ماسک‌های سفید را بر چهره نداشتند، به عبارت دیگر، در چهره‌پردازی اغراق نشده بود، سطح نمایش افول می‌کرد. ندیدن چهره اختراسلطنه و سرهنگ و مدی‌خان به شناخت بهتر آنها یاری می‌رساند، همان‌طور که دیدن چهره هوشنگ و قمری، نمایش «طیانچه‌خانم» برای چندمین بار نقش مهم جزئیات را در نمایش نشان می‌دهد. یک نمایش از ترکیب همه عوامل درست شده است و خوب‌نبودن یا زیان‌بودن یکی از آنها کل نمایش را خراب می‌کند. در این نمایش به‌تقریب اجزای نمایش

لحن و حرکات «متخصص» در صحنه باورپذیر و روان است و او به عنوان رتی امروزی، درک درستی را از زن چندین دهه پیش به نمایش می‌گذارد. محمد نادری چنان روان بازی می‌کند که انگار محمد نادری نیست و هوشنگ درزی شوهر خانم اختراسلطنه است. بقیه بازیگران مثل کیلدا حمیدی، حمید رحیمی، آرش فلاحتی‌پیشه و محمد صدیقی مهر کم‌وبیش خوب بازی می‌کنند. به‌ویژه کیلدا حمیدی (در نقش قمری) در برخی صحنه‌های پریچ‌وخم خوب ظاهر می‌شود. می‌دانیم او با وجود خانم اختراسلطنه با هوشنگ سروسری دارد. در صحنه‌ای

## زیر آسمان فیروزهای

## درویش در جشنواره فیلم کوتاه تهران:

## «رستاخیز» به زخم ملی تبدیل شده

● شرق؛ احمدرضا درویش درباره آخرین وضعیت اگران فیلم «رستاخیز» با بیان اینکه همواره امید دارد، گفت: «این اثر به یک زخم ملی تبدیل شده و حتی اگر مشکل آن حل نشود، تبعات اجتماعی و زخمی که بر ارواح اجتماعی و هنری وارد شده، برطرف نمی‌شود». بنا بر گزارش ایسنا، کارگردان فیلم «رستاخیز» همچنین بیان کرد: «منتظرم ببینم دولت «تدبیر و امید» برای این فیلم چه تدبیری می‌کند، اما خیلی متأسفم که کار یک مسئله هنری به محاکم حقوقی رسید و آن محکمه برای حل‌غائله اقدام کرد. اما باین‌حال ما همه با امید زندگی می‌کنیم و من هم امیدوارم با تدبیر مدبران و کسانی که مسئولیت دارند و جایگاهشان ایجاب می‌کند، تدبیر لازم برای این مسئله را ببینم و منتظر خدمت‌رسانی آنها هستم». درویش که در آخرین روز سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست با حضور جمعی از علاقه‌مندان به فیلم‌سازی حضور داشت و پاسخ‌گوی سوالات جوانان بود، درباره تجربه توقیف در فیلم‌سازی و اینکه خودش کارگردانی باطمینانه است که هر چندسال یک‌بار فیلم می‌سازد، گفت: «ما دیوان‌های شعر زیادی داریم که پس از سروده‌شدن مخفی شدند، اما بعد به آثاری ماندگار تبدیل شدند و در دنیای جدید ارتباطات و با وجود اطلاعاتی که به‌راحتی در دسترس همه است، نمی‌توان جلو جریان فکری را گرفت. من فیلم‌سازم و «رستاخیز» ساخته شده است. پس مسئولیت‌م را بابت این فیلم انجام داده و خدا را شکر می‌کنم، اما مهم این است که این فیلم مثل یک موجود زنده حق دارد در خیابان‌ها برود، تنفس کند، بر دیگران اثر بگذارد و از آنها اثر بگیرد». او گفت: «به‌ویژه این مسئله درباره فیلم «رستاخیز» صادق است، چون با اعتقاد درونی فیلم‌ساز و عده‌ای دیگر که با ظرفیت و انگیزه خاص آن را ساخته‌اند شکل گرفته است. بنابراین تأکید می‌کنم من در حال فیلم‌ساختن هستم، اما شما نمی‌بینید، ولی با وجود اینکه در سینما تنفس می‌کنم، قطعاً تا وقتی «رستاخیز» اگران نشود، نمی‌توانم فیلمی تازه دهم». احمدرضا درویش در بخش دیگری از این نشست درباره انجمن سینمای جوان و اینکه چرا برخی فیلم‌سازان حرفه‌ای و صاحب‌نام فیلم کوتاه نمی‌سازند گفت:

«ممکن است بسیاری از آنها هیچ‌گاه کار خود را با ساخت فیلم کوتاه شروع نکرده باشند، اما خود من دو فیلم نیم‌ساخته ساختم که نمی‌توانم اسم آنها را بیاورم؛ ولی همه ملت ایران دیده‌اند، باین‌حال فکر می‌کنم وقتی همکاری‌ام وارد چرخه حرفه‌ای سینما می‌شوند، دچار مسائل مالی با ساترا پیچیده سینما می‌شوند که شاید آنها را از کارهای دیگر بازدارد». او ادامه داد: «سینمای جوان جزء نهادهایی است که به شدت این ظرفیت را دارد که مدیریت به تشکیلات آن فکر کند تا به یک بخش غیرمردمی تبدیل شود. ای‌کاش خانه سینمایی داشتیم که طبق تعریف اساسنامه خود بود و سینمای جوان هم در جتر سینمای ایران اداره می‌شد. آن‌وقت می‌توانست بسیار موفق باشد؛ چراکه دولت از خانه سینما حمایت مالی و دست‌خود را کوتاه می‌کرد». درویش گفت: «باین‌حال امیدوارم خانه سینما آن‌قدر بلند شده که به این سمت حرکت کند و دولت هم به جایی برسد که تصدی‌گری را در بخش‌های مختلف مثل مدرسه ملی سینما کنار بگذارد و واگذار کند». کارگردان فیلم «دوئل» همچنین درباره نگاه خود به سینمای جوان گفت: «به نظرم این سینما چند کارکرد دارد که اولین بخش آن آموزش است. درواقع کارکرد اول سینمای جوان ارتقای ذائقه سمعی و بصری و زیبایی‌شناختی جامعه از طریق جوان‌های مستعدی است که قطعاً به دلیل میل به سینما، نخبه هستند؛ چراکه آنها در پروسه یادگیری فیلم‌سازی خود جزئیاتی را از سینما یاد می‌گیرند که در زندگی‌های فردی و اجتماعی کاربرد دارد و این تأثیر خود را بر جامعه خواهد گذاشت». وی افزود: «البته به این سینمای جوان نقد هم دارم، چراکه اگر یک جایی باشد که کمی عدالت در آن رعایت شده، همین سینما جوان است؛ اما این عدالت در جشنواره آن رخ نداده و نمی‌دانم چرا جشنواره فیلم کوتاه در وسط تهران برگزار می‌شود. چرا مدام شهرستانی‌ها باید به تهران بیایند؟» احمدرضا درویش ضمن ابراز خرسندی برای حضور در این جمع، درباره شیوه فیلم‌سازی خود اظهار کرد: «نگارش و کارگردانی از نظر من دو مقوله جدا نیستند که شاید این موضوع دو دلیل داشته باشد؛ نخست اینکه به نظرم فیلم‌سازی یک فرایند است که از یک لحظه شروع می‌شود. آن یک لحظه می‌تواند دیدن یک عکس، یک اتفاق یا یک کنش باشد و بعد همان تبدیل به نقطه حرکت برای فیلم‌شدن شود، اما نکته اینجاست که برای تکامل باید مسیری طی شود که این مسیر همواره با تحول همراه است چون قاعدتاً تغییراتی در فیلم‌ساز رخ می‌دهد». کارگردان فیلم «سرزمین خورشید» در بخش دیگری از این نشست با تأکید بر اینکه فیلم‌نامه‌یک آدرس است، اما آیه قرآن نیست

فیلم‌ساز باشد، خاطرنشان کرد: «مهم‌ترین کار فیلم‌ساز برای رسیدن به آنچه خیال کرده، انتخاب درست است. این انتخاب درست باید در همه اجزا اتفاق بیفتد و فرقی هم نمی‌کند فیلم کوتاه، مستند یا بلند باشد؛ چون تمام اینها ۹۰ درصد کار را دربر می‌گیرد و بعد فقط ۱۰ درصد باقی‌ی می‌ماند که نظارت است تا براساس آنچه انتخاب و مسئولیت خود را تفویض کرده، کار را به سرانجام برساند.»